

درس سوم فصل اول : فلسفه و زندگی

□ نقش باورها در زندگی انسان ها

- هر یک از ما باورهای دربارهٔ جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی و نظایر آن داریم . با همین باورها زندگی می کنیم و براساس آنها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم . این باورهای ما، گاه با باورهای دیگران یکسان است و گاهی هم متفاوت و مختلف . شاید دلایل برخی از این باورها را بدانیم و برای برخی هم دلیلی نداشته باشیم و صرفاً طبق عادت آنها را قبول کرده باشیم .
- اگر ما اطرافیان خود را زیر نظر بگیریم، می توانیم از لابه لای حرف هایی که می زنند یا رفتارهایی که دارند، برخی از ریشه های فکری آنان را کشف کنیم و بدانیم که آنها چه عقیده و طرز فکری دارند و اگر بتوانیم این طرز فکرها و عقیده ها را خوب تحلیل کنیم، می توانیم حدس بزنیم که آنها در زندگی خود به دنبال چه اهدافی هستند و زندگی برای آنان چه معنایی دارد.
- برخی انسان ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر دربارهٔ باورهای خود می پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند. آنان می خواهند به ریشهٔ باورهای خود برسند و چرایی قبول آنها را مرور کنند. اینان، در حقیقت، اهل تفکر فلسفی هستند و می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند.
- باورهای ما درباره جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی است که فلسفهٔ ما را می سازند و نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف ما دارند .
- باورهای ما درباره جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی است که به ما می گویند چه چیزی را هدف زندگی قرار دهیم و از چه چیزی گریزان باشیم .
- بنابراین می توان گفت: فلسفهٔ هر کس معنا دهنده به زندگی اوست.

□ اندیشیدن فیلسوفانه یعنی :

- غور در باورهای مربوط به زندگی
 - آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها
 - پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست.
- در این صورت، ما هستیم که بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاداندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.

□ دسته بندی اقسام مردم بر اساس باورها :

می توانیم مردم را به سه دسته تقسیم کنیم :

(۱) دنباله رو دیگران در انتخاب هدف :

برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته اند، قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله روی دیگرانند.

(۲) برگزیننده هدف قابل قبول بر اساس اندیشه خود :

برخی آدم ها به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند.

(۳) داشتن نگرش نادرست و به خطا رفته در انتخاب هدف

برخی آدم ها نیز نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است .

□ برخی فواید تفکر فلسفی :

- فلسفه هر کس نقش اساسی در معنابخشی به زندگی او دارد .
- اگر انسان قدرت تفکر خود را افزایش دهد و با استفاده از قواعد تفکر، در امور فلسفی بیندیشد، به فواید و ثمرات دیگری نیز دست می یابد، از جمله:

(۱) دوری از مغالطه ها (۲) استقلال در اندیشه (۳) رهایی از عادات غیرمنطقی

□ دوری از مغالطه ها :

- ✓ یکی از فواید آموختن منطق، توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست.
- ✓ فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.

➤ فیلسوفان می کوشند با کاستن از مغالطه ها :

- فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی ، ارائه دهند.
 - با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، آن فهم را بیان کنند.
 - می کوشند نمونه هایی از مغالطه های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران، بیان کنند.
- برخی از افراد بدون اینکه دقت کنند، گاهی در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته اند و براساس آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند .

□ استقلال در اندیشه

- ✓ فیلسوف واقعی، هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند.
- ✓ **فیلسوف واقعی درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی آنها پی برد، آنها را می پذیرد.**
- ✓ عموم مردم در مسائل بنیادین فلسفی می اندیشند و نظر می دهند؛ درباره خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج.

❖ فرق فیلسوف با دیگران:

- اولاً، فیلسوف درباره مسائل مختلف مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج به نحو جدی فکر می کند.
- ثانیا، فیلسوف با روش درست وارد مسائل مختلفی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج می شود و پاسخ می دهد.
- ثالثاً، فیلسوف، تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

□ رهایی از عادات های غیر منطقی

- ✓ در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند، بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، به صورت یک عادت در آمده است و اکثر افراد جامعه، بدون دلیل آنها را پذیرفته اند.
- ✓ افراد متفکر و اندیشمند این جوامع، این قبیل افکار را مورد نقد و ارزیابی قرار می دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبود، آنها را نمی پذیرند و تلاش می کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کنند. از آنجا که این قبیل عقاید و افکار مورد پذیرش مردم است، در ابتدا مردم سخنان این متفکران را نمی پذیرند و حتی دیدگاه آن متفکران را باطل و انحرافی می نامند.
- ✓ استقامت و پایداری متفکران حق طلب و دلسوز، بالاخره مؤثر واقع می شود و باطل بودن آن افکار و عقاید، با درخشش حقیقت، به تدریج نمایان می گردد و بسیاری از مردم عقاید باطل خود را کنار می گذارند و به حقیقت رو می آورند.

مثالی برای استقلال در اندیشه و رهایی از عادات

- افلاطون که از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ است، تمثیلی دارد که به «تمثیل غار» مشهور است.
- افلاطون در این تمثیل می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.
- این تمثیل که در کتاب جمهوری افلاطون آمده با اندکی تغییر و ساده کردن عبارت ها به شرح ذیل بیان می شود :
- ✓ غاری را در زیر زمین در نظر بیاورید که در آن مردمانی به بند کشیده شده و توانایی حرکت و جابه جایی ندارند.
- ✓ روی این مردم به دیوار جلو و پشتشان به دهانه غار است.
- ✓ این زندانیان هرگز بیرون را ندیده اند و جز روبه رو، توانایی دیدن هیچ طرفی را ندارند.
- ✓ به فاصله ای دور، در بیرون غار، آتشی روشن است که پرتو آن از طریق دهانه غار به درون می تابد.

- ✓ میان آتش و زندانیان راهی است بر بلندی که انسان ها و حیوانات و اشیای مختلف در این راه در حال رفت و آمد هستند و کارهایی انجام می دهند. برخی با یکدیگر سخن می گویند و برخی خاموش اند.
- ✓ سایه این انسان ها و حیوانات و اشیا بر دیواری که جلوی روی مردمان به بند کشیده شده قرار دارد، می افتد و اینها که جز این سایه ها را ندیده اند، این سایه ها را اشیای واقعی می پندارند و تصور می کنند که همه آن سر و صداها از همین سایه هاست.
- ✓ اگر بر حسب اتفاق، زنجیر یکی از این مردمان پاره شود و مجبورش کنند که یک باره برخیزد و روی خود را برگرداند و به سوی مدخل غار برود و به بیرون بنگرد، روشنایی چشم هایش را خیره خواهد ساخت و نخواهد توانست عین اشیایی را که تا آن هنگام تنها سایه های آنها را می دید، درست ببیند و اگر بخواهد در خود روشنایی بنگرد، طبیعی است که چشم هایش به دردی طاقت فرسا مبتلا خواهد شد؛ پس این فرد از روشنایی خواهد گریخت و باز به سایه ها پناه خواهد برد زیرا آنها را بهتر می توانست ببیند. عقیده اش هم نسبت به سایه ها استوارتر خواهد شد.
- ✓ اگر در این میان، شخص تنومندی او را از سربالایی بالا بکشد و از غار بیرون آورد و او را به طور کامل در معرض نور قرار دهد، چنان رنج عظیمی بر او تحمیل می شود که توانایی تحمل آن را از دست خواهد داد و نخواهد توانست هیچ یک از اشیای حقیقی را ببیند و بشناسد؛ ما اگر به تدریج چشمان وی با روشنایی خو بگیرد، یکی پس از دیگری آن انسان ها و حیوانات و اشیای واقعی را خواهد شناخت و به سایه بودن آن تصاویر که تا چندی قبل آنها را حقیقت می پنداشت، پی خواهد برد. این شخص پس از مدتی خواهد توانست آن نوری را که عامل شناخت اشیا است ببیند و بداند که تا اندازه ای خورشید عامل هر چیزی است که او و دوستانش در زندان به دیدن آنها عادت کرده بودند.
- ✓ حالا در نظر بگیرید که این زندانی از بند رها شده، غار را به یاد آورد. آیا از وضعیت خود احساس رضایت نخواهد کرد و بر حال گرفتاران در بند تأسف نخواهد خورد؟ و آیا برای رهایی آنان از زندان تلاش نخواهد کرد؟
- ✓ در نهایت، تصور کنید که زندانی آزاد شده را از نور برگیرند و به داخل غار ببرند و در جایگاه قبلی اش قرار دهند.
- ✓ او به اطرافیان می گوید این سایه ها حقیقی نیستند. اما همه حرف او را خنده دار خواهند یافت.
- ✓ آنان به یکدیگر می گویند او از غار بیرون رفت و با خراب شدن و از دست دادن بینایی اش برگشت.

▪ بررسی ص ۲۶

با توجه به تمثیل غار افلاطون،

- ۱- گذر از یک وضع عادی و رسیدن به حقیقت برتر در پرتو چه چیزی به دست می آید؟
راه رهایی از نظر افلاطون، در آمدن از سکون، بلند شدن از جای خود، تحمل رنج اولیه برای عبور و رسیدن به حقیقت است.
- ۲- رنج رسیدن به حقیقت شیرین تر است یا راحتی ماندن در نادانی؟ رنج رسیدن به حقیقت
- ۳- چرا افلاطون ماندن در نادانی و عدم درک حقیقت را به زندانی در بند تشبیه کرده است؟
نادان، محصور در توهمات خود است. محدوده دید او بسیار کوچک است. بنا بر ضرب المثل، تا نوک بینی خود را بیشتر نمی بیند. گویا دست و پایش بسته است و از انواع حرکت هایی که می تواند بکند و انواع تصمیم هایی که می تواند بگیرد، خبر ندارد. به همین جهت، انجام نمی دهد. و زندانی در بند نیز چنین است. پس می توان گفت هر دو گروه درباره شکل زندگی و تصمیم گیری هایی که می کنند، نمی اندیشند و گرفتار زنجیر عادات خود و آداب و رسوم هستند که جامعه، صحیح یا غلط، بر آنها تحمیل کرده است. حوادث جهان و زندگی نیز آنان را به تأمل و تفکر نمی کشاند.

۴- بزرگ ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود، چیست؟

این سؤال درباره زندان انسان از دیدگاه افلاطون است.
افلاطون در تمثیل غار، انسان معمولی را انسانی تصور می کند که در غاری زندانی است و توانایی عبور از وضع موجود را ندارد. او انسانی است که به همین مشاهدات محسوس قناعت می کند و همین دنیا و عالم محسوس را حقیقت هستی تلقی می کند و چشمش به روی مراتب دیگر عالم باز نشده است.

۵- چرا زندانیان در غار سخنان جوانی را که برای رهایی آنها برگشته بود، نمی پذیرفتند؟

این سؤال، مقایسه ای میان انسان رها شده از غار و افراد محبوس در زندان است.
مشکل بزرگ انسان های متفکر، نامأنوس بودن سخنان آنها برای آدم های معمولی است. انسان های عادی به وضع موجود خود عادت کرده اند و هر کس بخواهد این عادت را به هم بریزد برای آنان سخت و دردآور است.
آدم های معمولی چون اهل تفکر نیستند همین وضع موجود را بیشتر می پسندند و از تغییر و تحول بیزارند.
البته نکات فراوان دیگری می توان در پاسخ این سه سؤال مطرح کرد که نتیجه تفکر در تمثیل غار است.

سوالات تشریحی

- ۱- ویژگی تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه در مورد باورهای زندگی چیست؟ و چگونه می تواند ، فرد را به آزاد اندیشی و شخصیت مستقل برساند ؟
- تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، غور در باورهای مربوط به زندگی است. آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها . راه پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست . در این صورت ، این خودمان هستیم که بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاداندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.
- ۲- با توجه به نقش باورهای مربوط به زندگی در تعیین و انتخاب اهداف، انسانها را می توان به چند دسته تقسیم کرد ؟
می توانیم مردم را به سه دسته تقسیم کنیم :
- ۱) برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته اند، قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله روی دیگرانند.
- ۲) برخی آدم ها به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند .
- ۳) برخی آدم ها نیز نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است .
- ۳- سه مورد از فواید تفکر فلسفی را نام ببرید. ۱) دوری از مغالطه ها ۲) استقلال در اندیشه ۳) رهایی از عادات غیرمنطقی
- ۴- نقش تفکر فلسفی و ارتباط آن با منطق در دوری از مغالطه ها چگونه نقشی است ؟ توضیح دهید .
یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.
- ۵- کوشش فیلسوفان برای دوری از مغالطه به چه هدفی صورت می گیرد؟
فیلسوفان می کوشند با کاستن از مغالطه ها ، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل زندگی روزمره ارائه دهند، با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، آن فهم را بیان کنند .آنان همچنین می کوشند نمونه هایی از مغالطه ها را جهت عبرت گرفتن دیگران، بیان کنند. برخی از افراد بدون اینکه دقت کنند، گاهی در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته اند و براساس آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند .
- ۶- دو ویژگی از مهمترین ویژگی های فیلسوف واقعی را بنویسید.
فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را برپایه توهّم تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. فیلسوف واقعی در استدلال ها تفکر می کند و اگر به درستی آنها پی برد، می پذیرد.
- ۷- فرق اندیشه یک فیلسوف با دیگران درباره مسائل بنیادین فلسفه چیست؟
اولاً، فیلسوف درباره مسائل مختلف مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج به نحو جدی فکر می کند.
ثانیا ، فیلسوف با روش درست وارد مسائلی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج می شود و پاسخ می دهد.
ثالثا فیلسوف تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

۸- واکنش مردمی که عادات غیرمنطقی دارند نسبت به نقد و ارزیابی این افکار غیرمنطقی توسط متفکران و اندیشمندان چیست؟
 در ابتدا مردم سخنان این متفکران را نمی پذیرند و حتی دیدگاه آن متفکران را باطل و انحرافی می نامند.
 ۹- چرا در تمثیل غار افلاطون، زندانی نمی تواند مستقیماً به سمت دهانه غار روانه شود و به روشنایی آتش بیرون نگاه کند؟
 زیرا روشنایی چشم هایش را خیره خواهد ساخت و نخواهد توانست عین اشیا را که تا آن هنگام تنها سایه های آنها را می دید، درست ببیند و اگر بخواهد در خود روشنایی بنگرد، طبیعی است که چشم هایش به دردی طاقت فرسا مبتلا خواهد شد؛ بنابراین این فرد از روشنایی خواهد گریخت و باز به سایه ها پناه خواهد برد زیرا آنها را بهتر می توانست ببیند. عقیده اش هم نسبت به سایه ها استوارتر خواهد شد

۱۰- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--|-----------------------|
| (الف) از فواید تفکر فلسفی . | (۱) فیلسوف واقعی |
| (ب) آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها | (۲) دوری از مغالطه ها |
| (ج) سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد | (۳) تفکر فلسفی |
| (د) افلاطون با بیان آن می خواهد ، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند تمثیل | (۴) غار افلاطون |
- جواب) الف) ۲ (ب) ۳ (ج) الف (د) ۴

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- اهل تفکر فلسفی می کوشند بنیان های فکری خود را در کدام چارچوب قرار دهند؟ چارچوب عقل و منطق
- ۲- چه مسائل یا اموری، فلسفه ما را می سازند و نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف ما دارند؟ باورهای مربوط به زندگی
- ۳- این عبارت که « فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند . » بیانگر کدام مورد از فواید تفکر فلسفی است ؟ استقلال در اندیشه
- ۴- هدف افلاطون از بیان تمثیل غار چیست ؟
می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.
- ۵- افلاطون تمثیل غار خود را در کدام کتاب خویش مطرح می نماید؟ کتاب جمهوری

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- اهل تفکر فلسفی می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب ... و ... قرار دهند. عقل - منطق
- ۲- تفکر و اندیشیدن فیلسوفانه غور در مربوط به زندگی است. فلسفی - باورهای
- ۳- مقصود از تفکر فلسفی، آموختن چرایی و یافتن دلایل یا باورهای مربوط به زندگی. درستی - نادرستی
- ۴- باورهایی که ما را می سازند، نقش تعیین کننده در انتخاب ما دارند. فلسفه - اهداف
- ۵- فلسفه هر کس ... به زندگی اوست. معنا دهنده
- ۶- برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب ... دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دیگرانند. هدف - دنباله روی
- ۷- برخی آدم ها به اموری مانند ... انسان و جهان می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی ... درباره جهان و انسان می رسند. حقیقت - درست
- ۸- برخی آدم ها نگرشی ... درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است. نادرست - خطا
- ۹- با پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست، می توانیم بنیان های فکری خود را بسازیم و به برسیم و شخصیتی کسب کنیم. آزاداندیشی - مستقل
- ۱۰- فلسفه از توانایی منطق کمک می گیرد تا اندیشه های را از تفکرات تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد. درست - غلط
- ۱۱- فیلسوفان می کوشند با کاستن از، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل زندگی روزمره ارائه دهند، با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، آن را بیان کنند. مغالطه ها - فهم
- ۱۲- فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب دلیل - بنا نمی کند.
- ۱۳- فرق فیلسوف با دیگران در این است که فیلسوف درباره همه مسائل فلسفی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج به نحو جدی می کند. بنیادین - فکر
- ۱۴- افلاطون در تمثیل غار می خواهد نشان دهد که چگونه ...، انسان را به سمت حقیقی هدایت می کند. فلسفه - آزادی
- ۱۵- افلاطون دستیابی به آزادی حقیقی را در کتاب به کمک بیان داشته است. جمهوری - تمثیل غار

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- همه ما باورهایی دربارهٔ جهان، انسان، مرگ و عدالت داریم و براساس آنها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم. درست
- ۲- همه انسان ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی دربارهٔ باورهای خود فکر می کنند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند.
نادرست
- ۳- تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، غور در باورهای مربوط به زندگی است. درست
- ۴- در حقیقت، اهل تفکر فلسفی می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند. درست
- ۵- باورهایی که فلسفه ما را می سازند، نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف ما دارند. درست
- ۶- فلسفه هر کس معنادهنده به زندگی اوست. درست
- ۷- یکی از فواید آموختن فلسفه توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. نادرست
- ۸- منطق از توانایی فلسفه کمک می گیرد تا اندیشه های درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد. نادرست
- ۹- فیلسوفان می کوشند نمونه هایی از مغالطه ها را جهت عبرت گرفتن دیگران، بیان کنند. درست
- ۱۰- فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایهٔ تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. درست
- ۱۱- فیلسوف واقعی در استدلال ها تفکر می کند و اگر به درستی آنها پی برد، می پذیرد. درست
- ۱۲- فرق فیلسوف با دیگران در این است که فیلسوف دربارهٔ همهٔ مسائل بنیادین فلسفی مانند خدا به نحو جدی فکر می کند.
درست
- ۱۳- ارسطو از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ، تمثیلی دارد که به « تمثیل غار» مشهور است. نادرست
- ۱۴- افلاطون در تمثیل غار می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند. درست
- ۱۵- افلاطون تمثیل غار را در کتاب جمهوری مطرح می کند. درست
- ۱۶- کتاب جمهوری متعلق به ارسطو است. خرداد ۹۲- نادرست

سوالات تستی

- ۱- کدام عبارت با توجه به بحث تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، درست نیست؟
- ۱) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، عمل برطبق عادت به باورهای مربوط به زندگی مانند مرگ، عدالت و زیبایی است.
- ۲) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه یعنی آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها.
- ۳) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، راه پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست.
- ۴) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، کسب شخصیتی مستقل و آزاداندیش و ایجاد بنیان های فکری خاص خود
- ۲- فواید تفکر فلسفی در همه گزینه ها آمده است به جز
- ۱) دوری از مغالطه ها (۲) رهایی از مسائل بنیادین (۳) رهایی از عادات غیرمنطقی (۴) استقلال در اندیشه
- ۳- کدام عبارت بیانگر « نظریه مثل افلاطونی » است؟ کنکور سراسری ۸۳
- ۱) آنچه در این جهان است اصل و حقیقتش در جهان دیگر است.
- ۲) آنچه در این جهان است فقط سایه است و اصلی ندارد.
- ۳) افراد این جهان اصلی دارند که در درون یک غار و در تاریکی زندگی می کنند.
- ۴) افراد این جهان به منزله حقایقی هستند که سایه آنها در جهان دیگری است.
- ۴- منظور اصلی افلاطون از ارائه « تمثیل غار » بیان کدام مطلب است؟
- ۱) فلسفه می تواند انسان را به آزادی حقیقی هدایت کند. (۲) فلسفه می خواهد نهایت بی اعتباری ادراکات حسی را نشان دهد.
- ۳) فلسفه درصدد تبیین نارسایی ادراکات حسی است. (۴) فلسفه در تلاش است تا ناپایداری موجودات طبیعت را آشکار سازد.
- ۵- این مطلب که « هیچ فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. » نشان دهنده کدام یک از فواید سه گانه تفکر فلسفی است؟
- ۱) دوری از مغالطه ها (۲) حیرت فلسفی (۳) رهایی از عادات غیرمنطقی (۴) استقلال در اندیشه
- ۶- با توجه به تمثیل غار افلاطون کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد؟
- ۱) وقتی زندانی آزاد شده از غار به افراد درون غار می گوید، سایه ها حقیقی نیستند، سخن او را تصدیق می کنند.
- ۲) افراد درون غار، سایه انسان ها و حیوانات و اشیای خارج غار را اشیای واقعی می پندارند.
- ۳) وقتی زندانی آزاد شده از غار به افراد درون غار می گوید، سایه ها حقیقی نیستند، حرف او را خنده دار توصیف می کنند.
- ۴) تمثیل غار افلاطون می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.
- ۷- پاسخ اصلی به این سوال که « چرا با وجودی که همه مردم در مسائل بنیادین فلسفی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج می اندیشند و نظر می دهند؛ اما فیلسوف نیستند و با فیلسوفان تفاوت دارند؟
- ۱) زیرا فیلسوف درباره همین مسائل به نحو جدید فکر می کند و با روش جدید وارد این قبیل مسائل می شود.
- ۲) زیرا فیلسوف سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و با روش متفاوت وارد این قبیل مسائل می شود.
- ۳) زیرا فیلسوف درباره این مسائل به نحو جدی فکر می کند و با روش درست وارد این قبیل مسائل می شود.
- ۴) زیرا فیلسوف عقیده اش را بر پایه توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند.